



Road Making in the Masileh Basin and Aminolsultan' Report on it in the Aliabadnameh

Farshid Mosadeghi Amini *¹

1. Assistant Professor of Archaeology the Iranian Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran

Received 2022/10/2 | Accepted 2022/11/21

Abstract

“*Aliabadnameh*” — a diary on Aliabad — or “*Qom Zahabiyeh Itinerary*” is a report from the four days journey of Aminolsutan, Iranian prime minister at the beginning 14th A.H. century/ the last parts 19th A.D century, from Tehran to Qom in 1304 A.H./ 1886 A.D. It includes a collection from historical news and events and contemporary features which Aminolsultan had confronted in his voyage. A part of this important document is concerning to what Aminolsultan saw and met in passage from Aliabad in south of Tehran and in northwestern Hoze Sultan lake or western edge Masileh Basin. Thus, Aminolsultan itinerary in addition to regional geography and local historiography, contains various and basic data for archaeological and cultural ecology research and even the comparing literary survey. After revisiting of *Aliabadnameh* in this article, we evaluate its several kinds data and argue on which values led to new or complementary understanding from the a little known document for modern investigation.

Keywords: *Aliabadnameh*, Qom Zahabiyeh Itinerary, Aminolsutan, Tehran Plain, Masileh Basin, Rey road to Qom, Hoze Soltan Lake.

Copyright © 2020-2021 Cultural Heritage Records Studies. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Mosadeghi Amini, Farshid.(2022). Road Making in the Masileh Basin and Aminolsultan' Report on it in the Aliabadnameh, *Cultural Heritage Records Studies*, 3(2),144-167.

Corresponding Author: Farshid Mosadeghi Amini, Assistant Professor of Archaeology the Iranian Research Institute of Cultural Heritage and Tourism. **E-mail:** f.mosadeghi4600@gmail.com



جاده‌سازی در حوضه مسیله و دفاعیه میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان در علی آبادنامه

فرشید مصدقی امینی*

۱- استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۱/۷/۱۰ | پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۳۰

چکیده

«علی آبادنامه» یا «سفرنامه ذهابیه قم» سندی مکتوب از چهار روز نخست سفر شانزده روزه میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان از تهران به قم در چهارمین سال آغاز سده ۱۴ قمری (۳۰ سالگی علی اصغر خان) است که سرگذشت دیده‌ها، شنیده‌ها و رویدادها؛ روایت گذرها، منزل‌ها و ملاقات‌ها؛ شرح پدیده‌ها، ماجراها و رخداد‌های سفر در جنوب دشت تهران و دیدار املاک پدری — به ویژه علی آباد در شمال غرب حوضه مسیله — را بازمی‌گوید. بخشی از این سند یادمانی، یعنی یادداشت‌های انتهای گزارش روز یکشنبه ۱۷ صفر ۱۳۰۴ ق، حاوی نکته‌هایی بکر از خاستگاه و روند یکی از تأثیرگذارترین تغییرات انسانی در سیمای طبیعی و بستر تاریخی محور ارتباطی ری به قم در نواحی فرودست جنوب حسن آباد فشاویه و بخشی از زبان‌های رو به غرب دشت کویر و اطلاعاتی هم‌زمان از متن و حاشیه آن است: «تغییر در خط‌سیر سنتی شمال-جنوب»، «انحراف آبراه‌های جاری در منطقه»، «پیدایش دریاچه‌ای وسیع به منظور قطع امید کاروانیان از جاده پیشین»، «گذر ناگزیر مسافران از معبر تازه‌ساز» و «نقدها و ایرادهای یکی و تأییدها و حمایت‌های دیگری» موضوع‌های شاخص و تفسیرپذیر را پیش روی خواننده می‌گذارد. گذشته از داده‌های تاریخی و جغرافیایی سودمند در جستارهای زیست‌بوم‌شناختی، باستان‌شناختی و وقایع‌نگاری‌های مکانی و منطقه‌ای، به‌طور کلی متن سفرنامه به لحاظ «نگارش و نثر» و محتوای بخش منتخب به دلیل اشاره‌هایی خاص به «رأی و نظر کسان» و پاسخ مبتنی بر مقدمه‌چینی و دستیازی به پیشینه‌شناسی مسئله، استدلال و موجه‌سازی کرده‌ها و حتی کارشناسی پدیده‌ها با کلامی موزون و زبانی مرسوم نیز ارزش‌هایی برای بحث و مطالبی برای نقد دارد. این مقاله با نگاهی گذرا به زندگی و کارنامه میرزا ابراهیم و علی اصغر خان امین‌السلطان، به گزینش و شرح گزارش بخش پایانی روز یادشده در علی آبادنامه، بازنگری محتوا و بازسنجی آن در پرتو نوشته‌های هم‌زمان و معاصر و نیز بازجست‌های فرامتنی ممکن در خوانش و بهره‌برداری‌های استنادی از چنین اثری می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: علی آبادنامه، سفرنامه ذهابیه قم، امین‌السلطان، دشت تهران، حوضه مسیله، جاده ری به قم، حوض سلطان.

کپی رایت © دو فصلنامه مطالعات اسناد میراث فرهنگی: دسترسی آزاد؛ کپی برداری، توزیع و نشر با ذکر منبع آزاد است.

مصدقی امینی، فرشید، (۱۴۰۱). جاده‌سازی در حوضه مسیله و دفاعیه میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان در علی آبادنامه. *مطالعات اسناد میراث فرهنگی*، ۳ (۲)، ۱۴۴-۱۶۷.



* نویسنده مسئول: فرشید مصدقی امینی، استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

پست الکترونیک: f.mosadeghi4600@gmail.com

مقدمه

رخدادهای زیستبومی- فرهنگی در پی یکی از تأثیرگذارترین تصمیم‌های آمرانه صاحب‌منصب معروف دوره قاجار میرزا ابراهیم خان امین‌السلطان (د: ۱۳۰۰ق) و بازبینی، برهان‌آوری و دفاع پسر او میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان (۱۲۷۵ تا ۱۳۲۵ق) از عمل پدر است. گزارش راهنوردی امین‌السلطان در کناره غربی مسیله نقدِ اوضاع زمانه، توجه به جریان وقایع و پاسخ به برخی ادعاهای عام و خاص و ردِ تردید و شائبه در امیال، کنش‌ها و اغراض دو امین‌السلطان عصر ناصری (پدر و پسر) را نیز دربردارد.

رساله علی‌آبادنامه بیان وقایع چهار روز آغاز سفر شانزده روزه‌ای است که از شنبه ۱۷ صفر ۱۳۰۴ تا یک‌شنبه ۲ ربیع الاول همان سال طول کشید و یکی از وقایع‌نگاران همراه علی-اصغر خان امین‌السلطان جزئیاتش را نگاشت و نام «علی‌آبادنامه» یا «سفرنامه ذهابیه» را بر آن گذاشت. متن سفرنامه علی‌آباد از روی نسخه اصل^۱ ظاهراً ابتدا در کتاب *راهنمای جغرافیای تاریخی قم* و بعد با همان شکل و صفحه‌بندی پیشین در مجله فرهنگ *ایران زمین* به چاپ رسیده است (مدرسی طباطبایی ۱۳۵۵؛ ۱۳۵۶ الف و ب).

این همه ما را با اثری معنادار در «قلمرو نگارش و متن» و منبعی معتبر در «حوزه ارجاع و سندآوری» با توانش‌های اطلاعاتی چندگانه درباب زمانه، جغرافیا، عارضه‌های طبیعی، پدیدارهای انسانی، شخصیت‌های حقیقی و حقوقی، مناسبات و روابط، پیشامدهای همزمان^۲، رخدادهای درزمان^۳ و نمونه‌هایی از واکنش‌های ثبت‌شده نسبت به آنها آشنا می‌کند و بر دانش ما از کارنامه اتابک و والدش و نگرش‌های حاکمیتی آنها می‌افزاید.

روش جستار و روند گفتار

دو محور موضوعی شاخص در عنوان این مقاله عبارت است از: «ساخت جاده‌ای تاریخی در حوضه مسیله» و «گزارش و در واقع دفاعیه علی‌اصغر خان امین‌السلطان از برنامه راه‌سازی خود

هریک از نوشته‌های مربوط، آثار منسوب یا مدارک محصول قلم کنشگران دوره‌های گوناگون تاریخی به تناسب زمینه، گونه، محتوا، خبر، رابطه و هدف و نیز بنابه رویکردهای پژوهشی و پردازش‌های علمی پسینی دارای ارزش ذاتی، اهمیت گاه‌شناختی، اعتبار آسنادی، مضمون‌های خرد یا کلان توضیحی و تفسیری و درون‌مایه‌های مفهومی تنگ یا فراخ برای استناد و ارجاع، آوردن نمونه و مثال یا دادن شاهد و مصداق هستند. گستره، دامنه و گوناگونی نوشته‌های تاریخی یا نوشتارهای تاریخی شده بسته به درون‌مایه سند، زمانه آن، روابط و پیوندها، نقش عاملان یا کنشگران و برآیند مفهوم‌ها یا نتایج برآمده ما را گذشته از فن بیان و سبک نگارش با زمینه‌ها، خاستگاه‌ها، رویدادها یا اطلاعات تاریخی، توضیحی یا مثالی در سایر حوزه‌های پژوهشی یا جستارهای میان‌رشته‌ای آشنا می‌کند.

سفرنامه‌ها از جمله منابع مهم پژوهشی برای مکانیابی‌های جغرافیایی، منطقه‌شناسی‌های طبیعی یا استقراری و درک روند تطور سیمای زیستبومی یا فرهنگی هستند که گاه در قالب و محتوای آنها طی سخن از پدیده‌ها و پیشامدهای جاری، اوضاع و احوال حاکم، ماجراها و قضایای مطرح، جایگاه و دیدگاه مسافران یا گزارشگران و نیازسنجی‌های زمانی، نظری و آینده‌نگرانه نویسندگان شاهد اشاره‌ها، توصیف‌ها، توضیح‌ها و بحث‌ها و استدلال‌هایی هستیم که چارچوب آنها از منظر پژوهش‌ها و چشم‌انداز تحلیل‌ها به بازشناسی مدارک، دستیابی به اطلاعات و رسیدن به نتایج مستقیم و غیرمستقیم در باب بررسی‌ها یا کندوکوهای سپسین می‌انجامد.

«علی‌آبادنامه» یا «سفرنامه ذهابیه قم» با اطلاعاتی بی‌نظیر درباره محیط، ناحیه و به‌طور کلی زیستبوم جنوب دشت ری و شمال سرزمین قم ضمن یادکرد و گاه گزارش ویژگی‌ها یا مختصات آبادی‌ها، آثار، یادمان‌ها، اشخاص، سرگذشت‌ها و رویدادهای بین راه، حاوی شرحی مبسوط و توجیهی مشروح درباره علل و زمینه‌های وقوع یکی از مستندترین و مشهورترین



اقا ابراهیم آبدارباشی خاصه چون مراتب امانت صدقات او مشهور گشته اورالمعقب امین سلطان لقب با عطا کشت سرداری ترسده از فرمود

شکل ۱. آقا ابراهیم امین السلطان، در گذشته به سال ۱۳۰۰ق
(حدیدی ۱۳۹۰: ۹).

— از نظر نژادی یا قومی و خانوادگی یا طبقاتی — از لحاظ اجتماعی یا فرهنگی و اقتصادی یا سیاسی نیز مشهود و دال بر گوناگونی‌هایی در سرشت و روش آنهاست. در بررسی برهه‌ها یا برش‌های زمانی با جایگاه‌ها و پایگاه‌ها، نقش‌ها و اراده‌ها، کنش‌ها، برهم‌کنش‌ها یا اندرکنش‌های صاحبان قدرت و فعالان دایره دولت شاهد بینش‌ها و کارکردها، قوت‌ها و ضعف‌ها، مقدمه‌ها و نتایج کوچک و بزرگ محلی، منطقه‌ای، تاریخی و معاصر هستیم.

آقا ابراهیم گرمودی (تصویر ۱) فرزند زال ارمنی از اهالی سلماس و در شمار غلامان امیرسلیمان خان قاجار قوانلو (د: ۱۲۲۰ق)، معروف به اعتضادالدوله، بود. او در اواخر عمر در دستگاه ناصری مسئول اداره‌های گوناگونی چون صندوق‌خانه، شترخانه، انبار غله مرکزی، ضرابخانه، ساختمان‌ها، باغ‌ها، قنات‌ها، خزانه‌داری و وزارت گمرک شد. «ابراهیم» را به

و پدرش در خط‌سیر علی‌آباد». این دو مضمون، بازتاب دیده‌ها و طرح دیدگاه‌های ناظر بر عرض‌حال، توجیه و استدلال هدفمند برای تبرا از قضاوت‌های ناخوشایند و به‌طور کلی پاسخ و دفاع (غیررسمی) از دو صدراعظم نسبی ناصرالدین‌شاه را شامل می‌شود. بر این اساس، شیوه و رویکرد نوشتار حاضر بر تبیین و شرح رویداد مورد بحث، استناد به نقدها و تأییدها در مدارک هم‌زمان، مقایسه نگرش‌ها، خوانش تفسیری و ارزیابی محتوایی بخش برگزیده از علی‌آبادنامه و نتیجه‌گیری در افق بهره‌برداری‌های امروزی از اثر بازمانده استوار شده است.

میرزا ابراهیم و علی اصغر خان امین السلطان

زمینه شکل‌گیری، روند انسجام، ساختار قدرت، بافتار حکومت و به‌طور کلی عرصه تاریخی و بستر سیستمی نظام پادشاهی قاجار از حضور، نفوذ، تأثیر و آیند و روند کنشگرانی بسیار حکایت دارد. تفاوت خاستگاه بازیگران زمامدار در دوره قاجار

اروپایی بود به دوران زندگی ماجراجویانه‌اش افزود. سه سال بعد از جدایی از حاکمیت قجری، محمدعلی شاه (۱۲۹۰ تا ۱۳۴۴ق) — جانشین مظفرالدین شاه — اتابک را فراخواند و او را به وزارت داخله و ریاست دولت برگماشت.



تصویر ۲. میرزا علی اصغر خان امین السلطان (۱۲۷۵ تا ۱۳۲۵ق) دوره ناصری، اتابک اعظم دوره مظفری (حدیدی ۱۳۹۰: ۴۲).

علی اصغر خان امین السلطان حدود یک‌چهارم قرن در سمت‌های وزیر اعظم، صدراعظم و نخست‌وزیر مشروطه سیاست داخلی و خارجی ایران را تدبیر و اداره کرد. نقش‌ها و کارکردهای اتابک از یک سو نكوهش و دشمنی و از سوی ستایش و تمجید را دامن زده است. کسی که در ۲۶ سالگی نفر دوم ایران بود، در ۵۰ سالگی مجموعه‌ای از فراز و فرودهای سیاسی را در کارنامه خود داشت. تجربه و پختگی میان‌سال

مناسبت اداره آبدارخانه عباس میرزا نایب‌السلطنه (۱۲۰۳ تا ۱۲۴۹ق) «آقا ابراهیم آبدار» نیز می‌نامیدند. تصویری نادر از میرزا ابراهیم، با تاریخ پنج‌شنبه هشتم رجب سال مار ۱۲۸۶ق/ ۱۸۶۹م وجود دارد که او را در لباس سرداری — چهار سال پیش از مرگ — در حالیکه آراسته به آرایه‌ها، نمادها و نشان‌های رسمی دولت عهد ناصری است، به ما معرفی می‌کند. در ذیل تصویر راجع به «قرابت»، «شخصیت»، «موقعیت» و «جایگاه تازه» او در سلسله مراتب نظام حکومتی دوره قاجار چنین آمده است: «آقا ابراهیم، [آبدارباشی خاصه]، چون مراتب امانت و صداقت او مشهود گشته او را بلقب امین-السلطانی ملقب و باعطای کثوت [کسوت=جامه] سرداری ترمه [حمایل] سرافراز فرمودند.» (حدیدی ۱۳۹۰، ص. ۹).

فرزند دوم ابراهیم خان، میرزا علی اصغر خان (تصویر ۲)، در همان سالهای نوجوانی (۱۳ تا ۲۳ سالگی) در پی همراهی‌ها، خدمت‌ها و مسئولیت‌ها با دربار و محیط سیاسی، اداری و حکومتی کشور آشنا شد. «پیشخدمت خاصه دربار»، «صاحب‌جمعی دواب دولت» (تصدی شترخانه و قاطرخانه دولتی یا اداره حمل‌ونقل)، «نیابت پدر به گاه سفر او با شاه به فرنگستان» و «خزانه‌داری کل ممالک محروسه ایران» از جمله وظایف و نقش‌های پیش از اوج‌گیری علی اصغر در سپهر سیاست ایران دوره قاجار بود. در سال ۱۲۹۹ق (۲۶ سالگی) ناصرالدین شاه به او لقب امین‌الملک داد. یکسال بعد نایب کل اداره‌های دربار اعظم، خزانه و گمرک و متصدی مناصب پدر شد و عنوان «امین‌السلطان» گرفت. از این پس حضوری پیوسته، پرنقش یا تأثیرگذار در صحنه سیاسی ایران داشت.

در سال ۱۳۱۸ق مظفرالدین شاه لقب «اتابک اعظم» را به علی اصغر خان امین‌السلطان بخشید. باوجود برخی تفاوت‌ها در «رأی و نظر» و اختلاف‌ها در «اراده و عمل» میان امین‌السلطان دوم و دستگاه حاکم قجری، سیاست‌ورزی و کاردانی اتابک او را از دایره قدرت جدا و سلطنت را از وجود وی بی‌نیاز نکرد. در ۴۷ سالگی قهری خودخواسته با دربار و ترکی اجباری از منصب و کشور پیش گرفت و عزم قبله مسلمین کرد و سفری دور و دراز را که نتیجه آن بازدید از برخی کشورهای آسیایی، آفریقایی و



۱۳۹۵، ص. ۱۲ و نقشه‌های ۴ تا ۸). از نمونه‌های تاریخی چنین پدیده‌ای، شکل‌گیری راه ارتباطی شمال- جنوب میان تهران و ری با قم و اصفهان در بافت طبیعی نیمه — و به سخنی کرانه — جنوبی دشت تهران و تغییر به ناچار در راستا، گذرگاه‌ها و منزل‌های آن است (نقشه ۱).

مسیر اولیه تهران- قم از پایتخت به ری، کهریزک و کنارگرد رسیده و سپس رو به بلقیطاس، شریف‌آباد و دیر گچین گذاشته و در امتداد شمال- جنوب کناره شرقی حوض- سلطان از منزل کاج به قم منتهی می‌شد. راه دیگر، در خط- سیری مستقیم‌تر از کنارگرد به سوی جنوب و میانه حوض- سلطان کشیده شده و با گذر از صدرآباد و پل دلاک رو به قم می‌گذاشت. اما در اواخر سده سیزدهم قمری و دقیق‌تر در سال ۱۲۹۸ق/ ۱۸۸۰م بنا به تصمیم میرزا ابراهیم خان امین- السلطان طرح ساخت و بهره‌برداری از جاده سومی با انگیزه- های سودگرایانه شخصی و بازتاب‌های مکتوب انتقادی یا حمایتی همزمان ریخته و پی‌گرفته شد.^۵

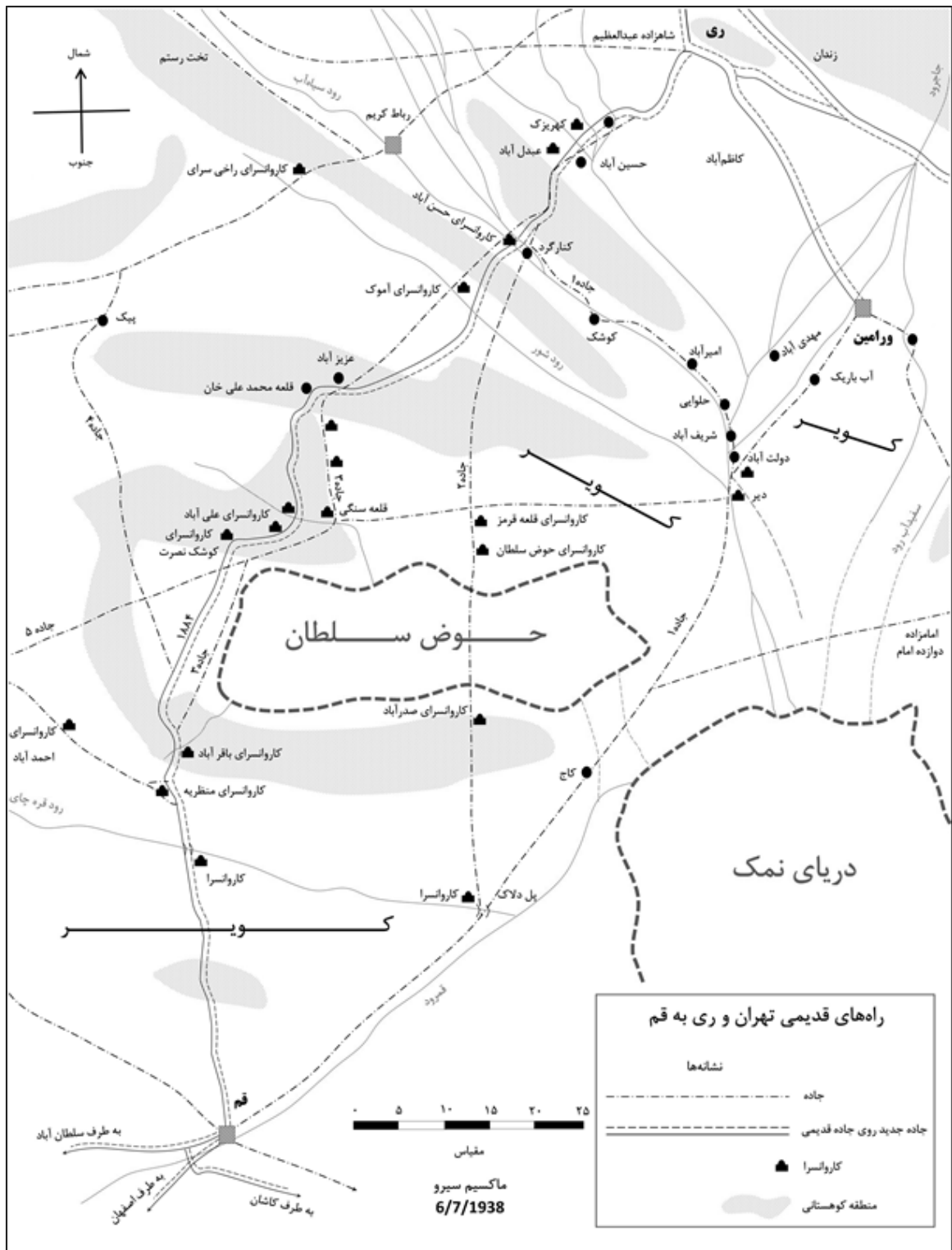
مسافت طولانی‌تر، امتداد ناهموارتر و دشواری‌های بیشتر برای گذر مسافران، دیدگاه‌های آسیب‌شناسانه از منظر فنی و هزینه‌ای و نیز توجه به زمینه‌ها یا اطلاع از دلایل چنین اقدامی و انتشار خبرهایی درباره خواسته‌های فردی و خانوادگی و هدف‌های مادی و اقتصادی بانی آن و اصولاً ایستادگی‌های برخاسته از «آشنایی و راحتی» یا «عادت و انس» به مسیرهای موجود مضمون نقدهای بازمانده در اسناد تاریخی است. از طرفی نسبت‌ها، بستگی‌ها، رابطه‌ها، تعلق‌ها، همکاری‌ها و به- طور کلی خدمت‌اداری و فرمانبری دیوانی در دستگاه حاکم قجری عامل حمایت‌ها و حتی ستایش‌های برخی کسان از برنامه راه‌سازی امین‌السلطان‌های پدر و پسر بوده است. خلاصه آنچه گفته شد را در نقلی برگرفته از مقدمه مصحح علی‌آبادنامه می‌توان یافت:

رویکرد اعتدال و میانه‌روی را بر او واجب می‌کرد. اما، مخالفت- های گروهی، حزبی و مردمی امانش نداد. هنگام خروج از مجلس در ۲۱ رجب ۱۳۲۵ق به دست عباس‌آقا صراف تبریزی (۱۳۰۱ تا ۱۳۲۶ق) ترور شد.

اتابک نخستین صدراعظم مقتول در بهارستان نام گرفت. هرچند ترور او در زمره یکی از تکانه‌های سیاسی- اجتماعی به خودکامگی افسارگسیخته قاجارها در دوره محمدعلی‌شاه و از وقایع مهم در روند چالش‌های پیرامنه سیاسی پس از صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۳۲۵ق/ ۱۲۸۵خ بود، تا غروب استبداد حاکم، طلوع نسبی مردم‌سالاری و تبدیل سلطنت مطلق به نظام مشروطه روزها و رویدادهای دیگری در پیش بود.

طرح مسئله

موقعیت شمال مرکز فلات ایران یا دشت تهران، کوهستان مرتفع آبگیر و کرانه‌های فرودست آبریز دو سوی آن، عوارض زمین‌شناختی پراکنده در چنین پهنه‌ای و به‌طور کلی زیستبوم این پاره جغرافیایی مهم از گستره عمومی خود، زمینه‌ها و مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری و تطور سکونتگاه‌ها، ایجاد و تثبیت راه‌های ارتباطی میان آنها یا امکان تغییر در حدود و راستا و خط‌سیر مسیرها را دربردارد (مصدق‌امینی و ملاصالحی ۱۳۹۴، ص.ص. ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۵ و ۱۱۶). گذشته از تأثیر مستقیم و همیشگی زیستبوم بر پیدایی و پراکنش پدیدارهای انسانی، گاه تصمیم‌ها، کنش‌ها و رویدادهای عمرانی — چه تاریخی‌شده و برگزیده و چه امروزی و در حال اجرا — در قالب بروز کنش‌ها و تأمین منافع فردی یا گروهی یا اجرای برنامه‌ها و طرح‌های عمرانی محلی یا منطقه- ای یا ملی نیز عامل دگرگونی در سیمای طبیعی و تحول در چشم‌اندازهای فرهنگی دشت تهران بوده است (مصدق‌امینی



نقشه ۱. عوارض و پدیده‌های جغرافیایی عمده و موقعیت آبادی‌ها، راه‌ها و اتراکگاه‌های دایر و متروک بین راه ری به قم در بیش از هشتاد سال پیش (Siroux 1949: fig 99). این نقشه برش و برگردانی از نقشه سال ۱۹۳۸م/۱۳۱۷خ ماکسیم سیرو است (پردازش رایانه‌ای: بابک شیخ بیگلو اسلام). هرچند سیرو واحد مقیاس خود را مشخص نکرده، قوت اندازه‌گیری مسافت‌ها به کیلومتر بیشتر است.



دائر ساختن این راه عبور از جاده قدیم را ممنوع داشت! ...

گفتنی‌تر آنکه چون با وجود منع اکید، برخی کاروان‌ها به خاطر ناهمواری و دوری راه [جدید] از همان جاده قدیم تردد می‌نمودند،^[۱] به دستور میرزا علی-اصغر خان امین‌السلطان دوم رودخانه شور قم و ساوه را به کویر حوض سلطان که ممر کاروان‌ها و مسیر راه قدیم بود سر دادند. در نتیجه در زمانی کوتاه کویر به دریاچه‌ای بزرگ تغییر یافت که هنوز نیز باقی، و یادگار زورگویی این وزیر مقتدر دوره ناصری و مظفری است. طرفه آن-که با همه تمهیداتی که به منظور پنهان داشتن حقیقت این ماجرا و تلقی آن به عنوان رویدادی طبیعی به کار رفت،^[۲] واقع حال از نخست بر همگان آشکار بوده و یاد آن به همین صورت در بسیاری از نوشته‌های آن دوره آمده است» (مدرسی طباطبایی ۱۳۵۵، ص. ۲۰۸ و ۲۰۹).

ظاهراً دگرگونی‌های محلی و محیطی در خط‌سیر ارتباطی ری به قم فقط به شرح آنچه بازگفتیم محدود نبود. تخریب بناهای قدیمی به منظور استفاده از مصالح آنها در ساخت منزل‌های بین راه جدید و متروک‌شدن توقف‌گاه‌های پیشین و اجبار مسافران به اقبال ناخواسته و توجه و روی‌آوری ناگزیر به راه جدید از دیگر برنامه‌های راه‌سازان بود:

«اقدام تأسف‌آور دیگری که در اجرای طرح تغییر جاده معمول گردید و آن را در حد خود باید جنایتی بزرگ خواند ویران-ساختن بنای باستانی و بسیار مهم «دیر گچین» — برای استفاده از مصالح ساختمانی آن در بنای مهمانخانه علی‌آباد متعلق به امین‌السلطان — بود که به گفته حاجی نجم‌الملک مانند هفت مدرسه اصفهان و دو برج ری از دست رفت.» (مدرسی طباطبایی ۱۳۵۵، ص. ۲۰۹ و ۲۱۰).

بررسی‌ها و نقدهای سپسین در مورد مهم‌ترین تحول تاریخی در سیر پیدایی راه‌ها، بهره‌برداری ارتباطی از مسیرها، ساخت

«راه قدیم قم به ری — که از درب ری در شمال شهر کهن قم آغاز می‌شده — بنابر آنچه در کتاب‌های مسالک و ممالک قدیم دیده می‌شود،^[۱] از کنار روستای قمرود می-گذشته و با فاصله دیه کاج به کویر حوض سلطان می‌رسیده و از آنجا تازی دو مرحله راه بوده است. دیر گچین یا دیر گردشیر [گردشیر] — که بنایی عظیم و در روزگاران پیش از عجائب فن به شمار بوده و یاد آن در بسیاری از کتاب‌های قدیم آمده — میان این راه قرار داشته است.

راه میان این دو شهر قرن‌ها منحصر به این راه هموار و بی‌فراز و نشیب بود تا آن که در اواخر دوره قاجار که سرنوشت کشور و مردم آن دستخوش اغراض و اهواء و تجاوزات گروهی «رجال» متعددی و زورگو بود،^[۲] راه میان دو شهر به جاده‌ای دشوار که پیچ و تاب و فراز و نشیب بسیار داشت و بیش از هفت فرسخ از راه پیش دورتر بود،^[۳] تغییر داده شد.» (مدرسی طباطبایی ۱۳۵۵، ص. ۲۰۷).

نگاه انتقادی معاصر به تغییر مسیر سنتی ری به قم (یا در مفهوم کلی‌تر راه ارتباطی تهران و ری به قم و اصفهان) به همین جا ختم نمی‌شود. آگاهی‌های تاریخی شرح بیشتر موضوع را با ذکر دلیل‌ها و نیت‌های دست‌اندرکاران به دنبال دارد:

«سرگذشت پدید آمدن این راه جدید آن است که میرزا ابراهیم امین‌السلطان — صدراعظم پایان قرن سیزدهم [ق] — املاک و متعلقاتی چند مانند قلعه محمدعلی-خان، علی‌آباد، کوشک نصرت و منظریه و جز اینها [را] در مناطقی دور از راه قدیم [میان ری و قم] داشت که به خاطر پرت بودن از جاده [اصلی] بی‌بها بود. امین-السلطان برای آبادی املاک خود تدبیری اندیشید و به عنوان تسطیح و تعریض راه قم-تهران و آماده ساختن آن برای عبور کالسکه، با خرج دولت راهی جدید از تهران تا قم به سبکی ساخت که از کنار همه املاک او می‌گذشت و از این‌رو مسافتی پیرامون هفت فرسخ را بیهوده گرد کویر حوض سلطان دور می‌زد و در چند فرسخی شهر به راه قدیم می‌پیوست. پس از آن برای

یکی از شاهدان عینی تغییر در مسیر تاریخی تهران و ری به قم و از ناظران راه تازه احداث شده و مفسر پیامدهای آن از دید فنی و کارشناسی حاج عبدالغفار نجم‌الملک (۱۲۵۹ تا ۱۳۲۶ق)^۷ است. او در پایان سفر هشت‌ماه و بیست‌روزه‌اش به خوزستان به سال ۱۲۲۹ق/ ۱۲۶۰خ/ ۱۸۸۱م بی‌آنکه از علت واقعی یا زمینه‌های شخصی یا هدف‌های منفعت‌طلبانه چنین طرحی سخنی به میان آورد (یا شاید اصولاً از آنها آگاه باشد) در انتهای گزارش سفرش می‌گوید:

«این رباط [کنارگرد] خیلی خراب است و کثیف، [تعمیری لازم دارد. آنجا دید راهی تازه از طهران ساخته‌اند در خارج جاده معمول منتهی شده است در کنار آب کرج بفاصله یک میدان بالای رباط، آنجا پلی بنا نموده‌اند و آن پل را چندمرتبه آب برده و خراب شده، باز میسازند. از تغییر دادن جاده خیلی حیرت نمود که با وجود دخالت مهندس چرا باید ملتفت این نکته نشده باشد. اولین شرط راه‌سازی اینست که تا ممکن شود نباید عدول نمود از جاده کوبیده چندهزارساله و راه ساخت در بیابان سست که تابستان از خشکی و گرد و غبار نمیتوان از آن عبور کرد و زمستان از کثرت گل و باتلاق. خوب، [جاده قدیم که چندان اعوجاجی نداشت و بر فرض قلیل اعوجاج هزاران مرتبه ترجیح داشت بر این راه‌های تازه، بعلاوه آبادیهائی که در کنار این راه افتاده باید از همگی چشم پوشید و تازه در کنار راه جدید آبادی‌ها ساخت و خسارتها کشید. این فقره چون خیلی از قاعده راه‌سازی خارج بود، [لا بد اشاره نمود. (نجم‌الملک ۱۳۴۱، ص. ۱۸۲).

عبدالغفار پیش از مطلبی که گفته شد، به‌طور غیرمستقیم حین سخن از کاروانسرای دیر گچین به «عملیات راه‌سازی مورد نظر ما»، «تخریب بخش‌هایی از ساختمان دیر» و «قیاس حجم برداشتها برای ساخت جاده با مصالح بکار رفته در آثار ساختمانی مشهور دوران» هم پرداخته است:

و مرمت بناها یا مجموعه‌های بین‌راهی و تطور موضعی در زیستبوم حوضه مسیله/ حوض سلطان بدون ارزیابی نوشته‌های همزمان و تحلیل محتوا و مضمون آنها ناکافی خواهد بود. ضمن اینکه این‌همه درآمدی است بر تبیین و تفسیر دفاعیه میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان در سفرنامه علی‌آباد و درک سنجیده دیدگاه‌های پیش، حین و پس آن.

شرح پیامد

راه‌سازی میرزا ابراهیم خان امین‌السلطان در بخشی از حوضه مسیله در جنوب دشت تهران و تدارک خط‌سیری جدا از راه قدیم ری به قم و بازداشتن کاروانیان از گذرگاه پیشین به منظور «آبادی املاک شخصی دورافتاده و پرت‌مانده از جاده اصلی»، «افزایش ارزش زمین‌ها» و «سهولت آمدوشدها به نواحی مدنظر» و در پی اینها دستور فرزند ابراهیم خان، میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان، برای روان کردن رودخانه‌های شور و ساوه به کویر حوض سلطان به قصد قطع امید راه‌پویان از مدار ارتباطی گذشته و تحقق اهداف ناتمام پدر، مجموعه دگرگونی‌هایی را در زیستبوم و سلسله دشواری‌هایی را در امور ترابری کاروان‌ها، اقوام و گروه‌های مسافر مردمی، اداری یا دیوانی پدید آورد:

۱. پیدایش دریاچه‌ای بزرگ در کویر حوض سلطان،
۲. دورشدن کاروانیان از راه اصلی،
۳. تحمیل مسافتی اضافه به مسافران،
۴. ترک اجباری جاده مناسب و کم‌زحمت و خرج پیشین،
۵. رویارویی با گرد و غبار در تابستان و زمین‌های باتلاقی در زمستان،
۶. چشم‌پوشی زیان‌بار از آبادی‌ها و منزل‌های بین‌راه در خط‌سیر قدیم،
۷. هزینه‌های خسارت‌بار برای ساخت استقرارگاه‌های نو و
۸. ویرانی بخش‌ها و استفاده از مصالح بناهای تاریخی چون دیر گچین برای برپایی ساختمان‌های بین‌راهی مسیر نوپدید.



عمل میرزا ابراهیم امین‌السلطان نیز بازتاب می‌دهد و این خود از دلایل واکنش تند و قهرآمیز علی‌اصغر خان امین‌السلطان به آراء و کسانی می‌شود که وی در شرح سفرش از ایشان بدون نام صریح با کنایه‌ها و ناسزاهای فراوان و بدگویی‌های درهم-پیوسته یاد می‌کند.

هرچند در برخی گزارش‌ها یا نوشته‌های هم‌دوره شاهد تبیین‌هایی متفاوت، توجیه‌گر و گاه جانبدارانه دربارهٔ ساخت راه جدید و ستایش خدمت بانی و توسعه‌گر آن هستیم، به نظر می‌رسد ناهمواری راه، عوارض مسیر، دشواری عبور و طولانی-شدن خط‌سیر در خلال مطالب موجود پنهان‌نمانده و از جمله یادآوری‌های ضمنی در بیان نویسنده‌گان بوده است. مثلاً، در سفرنامهٔ قم که شرح مسافرت محمدتقی رکن‌الدوله^۸ (۱۲۵۷ تا ۱۳۱۹ق)، از تهران به شیراز برای به دست گرفتن حکومت فارس در سال ۱۳۰۹ق است،^۹ ذیل منزل علی‌آباد با شرحی خواندنی از دیده‌ها و اطلاعاتی مواجه می‌شویم که دست‌کم پنج سال پس از سفر امین‌السلطان دوم مشاهده و سی سال پس از آن به نگارش درآمده است:

«این اوقات مباشرین راهساز آنجا [دیر گچین] را دستی خراب نموده [—] محض سنگش [—] که آهک بیزند [—]. این کار آنها چنان [شده] که مثل هفت مدرسهٔ اصفهان و دو برج خرابهٔ ری [را بسازند]». (نجم‌الملک ۱۳۴۱، صص. ۱۸۱ و ۱۸۲).

در واقع، عبدالغفار نجم‌الملک پنج سال پیش از سفر علی-اصغر خان امین‌السلطان به قم با حضور در موضع پیش‌گفته و مشاهدهٔ دگرگونی‌های رخ‌داده در خط‌سیر ارتباطی مورد بحث ضمن بیان دیده‌ها، زبان به نقد علمی طرح جدید می‌گشاید. عالم نام‌آشنای عصر ناصری با ابراز شگفتی از چرایی چنین اقدام نابخردانه یا دست‌کم تعجب‌آوری به دلیل پیشینهٔ منطقی و برتری‌های زمینه‌ای، هندسی و کارکردی جادهٔ قدیم، نادرستی-های اجرایی در برنامهٔ تازهٔ راه‌سازی، بی‌توجهی به مبادی لازم و مبانی تخصصی، ضعف‌ها و لغزش‌های مشهود در امکان‌سنجی-ها، تحمیل هزینه‌های مالی نابایست و زیان‌های کاری و عمرانی ناشایست را برمی‌شمارد. نظر عبدالغفار گذشته از نارضایتی‌های مردمی، گوشه‌ای از دیدگاه برخی دست‌اندرکاران حکومتی یا نظر شماری از کارگزاران نزدیک به هیئت حاکمه را نسبت به

«زحسن‌آباد باید به منزل علی‌آباد گوک‌داغ حرکت کرد ... از این منزل حرکت شد. در بین راه عمارتی دیده شد که شبیه به عمارت‌های خوب طهران بود. در عقب آن دهی بسیار آباد دیده شد که دارای دو مسجد و سه حمام و هزار نفر جمعیت بود و موسوم به عزیزآباد است که متعلق به عزیزالله‌خان صارم‌الملک امیرتومان می‌باشد ... کاروانسرای جدیدی درین جا احداث کرده، ولی هنوز ناتمام است و این مکان معروف به «قلعه محمدعلی‌خان» است ...

اراضی راه امروز پست و بلند است و دره و ماهور زیاد دیده می‌شود.

از این جا که گذشتیم به پل رودخانه شور رسیدیم. این پل در این عهد همایون، چهار مرتبه ساخته شده و خراب گشته است. در سال گذشته، بر حسب امر دولت، ساختن این راه به یکی از اهل اروپا موکول شد و او همان کسی است که مشغول راه‌سازی طهران تا عربستان است. خلاصه، این پل پنج چشمه دارد و بسیار محکم ساخته شده است؛ امید است که از طغیان آب خراب نشود.

از رودخانه که گذشتیم در دو طرف جاده، دره و ماهور بسیار دیدیم. در بین راه، در مهمان‌خانه صرف نهار کردیم و بعد از سوارشدن به طرف علی‌آباد رانندیم ...

خلاصه، تا سه فرسخ از دره و ماهور عبور کردیم و عصری به علی‌آباد رسیدیم که باید شب در اینجا منزل کنیم. این مکان از جاهایی است که باید در بالینش، جمیع صحبت کرد و به شرح آن پرداخت. سابقاً مردم از روی استهزاء یکدیگر، در باب علی‌آباد اصفهان می‌گفتند که: «فلان خیال می‌کند که علی‌آباد هم شهری است»^{۱۰}؛ اما حالا در باب این علی‌آباد می‌توان گفت که این از شهرها هم برتر و بهتر است؛ چه عمارت خوبی که درین جا بنا شده است. چه آب‌های صافی و حوض‌های

بزرگ سنگی و چه آب افشارها و چه فواره‌ها و چه سنگ‌آب‌های خوب و چه باغ‌ها و ستون‌های سنگی و حمام عالی و منظرها و دیوان‌های سنگی حجاری شده، درین جا دیده می‌شود! که نظیر آنها در شهرهای ایران کمتر است؛ دهی است آباد که «لم یخلق مثلها فی البلاد»^{۱۱} در شأن آن است؛ دارای باغ بزرگ دولتی و چند خانوار رعیت است، مهمان‌خانه بسیار خوبی دارد که تمام آن از سنگ‌های صاف ساخته شده است. قریب دو سنگ آب از میان مهمان‌خانه عبور می‌کند. کاروانسرای محکم جدیدی در آن جا است که بسیار عالی است ...

... مخارج این باغات و کاروانسرا و حمام و غیرها در عرض سال، هزار و چهارصد تومان است. و این ده و باغ و عمارات متعلق به حضرت مستطاب شریف فخیم، آقامیرزا علی اصغر خان، وزیر اعظم — دامت شوکت — است که همت در آبادی این جا گماشتند. این جا در سابق آب باریکی داشت و به قیمت نازلی اکتیاع شد ...

... از آثار خبری و نقلی و نظری، چنین معلوم می‌شود که راه قدیم وجاده سابق از ری به قم و اصفهان از همین جاده بوده است که علی‌آباد جزو منازل این راه محسوب می‌شده است و سابقاً این منزل معروف به «کاروانسرای سنگی» [قلعه سنگی] بوده است و کنون هم اثر آن باقی است. و صاحب «معجم البلدان» در لغت «کردشیر» ... می‌نویسد که «کردشیر» قلعه معتبری داشته است و در وسط راه قم و ری واقع بوده است، ... می‌توانیم بگوییم که «کردشیر» همین علی‌آباد بوده است که مسافرین قم و ری درین جا منزل می‌کرده‌اند.

و بهترین دلیلی که برای جاده بودن علی‌آباد به قم به دست آمده است، این است که روی کوهی که مشرف به کاروانسرای علی‌آباد است، آثار برجی است که از سنگ و گچ ساخته شده و روی آن برج به طرف کویر حوض سلطان واقع شده است. چنین معلوم می‌شود که این برج از برای مستحفظین و دیده‌بانان این جاده ساخته شده است یا آن که تنها در آنجا آتش می‌افروخته‌اند که اگر [کسی] در شب راه را گم کند و داخل بحیره سابق و کویر شود، به واسطه روشنایی سر برج به بیراهه نیفتاده، به طرف کاروانسرای قدیم علی‌آباد حرکت کند. این نیز دلیل بر این است که از این جا راه عبور و مرور قوافل بوده است. البته دهی که کنون این همه آب دارد، یقیناً مالکین و متمدنین سلف نمی‌گذاشته‌اند که چنین استعدادی در زیر زمین بماند و قلعه‌ای در آنجا ساخته نشود. بدون تردید، سابقاً راه از همین جا بوده و به واسطه انقلابات زمان و تغییر و تبدیل پادشاهان و فتنه‌های چنگیز و غیره، آبادی‌های این راه معدوم شده و راه مسدود گشته و بعدها باز جاده را تغییر داده‌اند و راه را به طرف کویر خشک و حوض سلطان که ابنیه سلطان سنجر است، قرار داده‌اند و کنون چند سال است که از بند ساوه آبی به جاده کویر و حوض سلطان افتاده، دوباره دریاچه تشکیل یافت. و به واسطه اهتمامات حضرت مستطاب اشرف، وزیر اعظم — دامت شوکت — راه ری و قم از طرف علی‌آباد واقع شد.

حقیقتاً آثار قدیمه را احیاء کردند. و بانی آبادی علی‌آباد و تجدید جاده به این طرف، مرحوم مغفور آقا محمد ابراهیم امین - السلطان اول — طاب ثراه^{۱۲} — بود که در سنه هزار و دویست و نود و هشت، شروع به ساختن راه قدیم قم شده و آثار کهنه و منازل قدیمه این راه را تجدید نمودند، در تسطیح جاده و مرمت راه همت گماشتند و درین موقع که علی‌آباد نام دارد، حفر قناتی، علی‌حده نمودند و به اسم فرزند خودشان حضرت مستطاب اشرف، میرزا علی اصغر خان امین السلطان ثانی وزیر اعظم — دامت شوکت — موسوم ساختند؛ ولی عمر ایشان آنقدر باقی نماند که این طرح خود را به اتمام رسانند و در هزار و سیصد هجری وفات کردند.

بعد از فوت آن مرحوم، والد امجدشان حضرت مستطاب اشرف، امین السلطان، وزیر اعظم — دامت شوکت — خواستند، نام پدر را به جا و رسم او را احیاء فرمایند. لهذا به آبادی علی‌آباد و احمدآباد و کوشک‌نصرت و سایر منازل و مهمانخانه [ها] که در سر هر چهار فرسخ این راه است، همت گماشتند و راه را شوسه کردند و از برای مسافرین درشکه و کالسکه و تریگا و دلیجان و ترمتاس و فورقان که آلات سواری است ترتیب دادند که مسافرین آنها را کرایه کرده به سهولت از طهران به طرف قم بروند و در مهمان‌خانه‌ها منزل کنند که از حمل بار و بند و اسباب سفر آسوده شوند ...



... و ایجاد این راه و تشکیل مهمان‌خانه‌های راه قم و تعیین آلت‌های سواری از طهران تا قم در اطراف سنه هزار و سیصد و یک هجری واقع شد. و در آن سنه، یک لایحه برای راه شوسه قم و تکلیف مسافرین نوشته شده، به‌طور اعلان در دیوارهای طهران چسبانیدند.» (افضل‌الملک ۱۳۸۴، ص.ص ۳۷ تا ۴۳).

پسرش، علی‌اصغر خان، در ۱۳۰۱ق با توجه بیشتر دومی به تسهیل امور آمدوشد مسافران و تأمین امکان‌های چشمگیر بین‌راهی برای آنها،

- استفاده از نشانه‌ها و عوارض زیستبومی، یادمان‌ها و ساختارهای به جا مانده و اطلاعات تاریخی برای ترکیب مجموعه‌های آنها به منظور برابرسازی راه قدیم ری به قم و اصفهان از طریق علی‌آباد و موجه دانستن ساخت جاده نو با طرح انگاره بازگشت به پیش،

- تبرئه ضمنی میرزا علی‌اصغر خان از مسئولیت تغییر آبراه‌های جاری در منطقه و به سخنی طبیعی دانستن این پدیده و در مقابل توجه و اهتمام امین‌السلطان برای تداوم مسیر ارتباطی شمال- جنوب در قالب راه تازه‌ساز و تجدید منزل‌های بین-راهی در خط‌سیر قدیم علی‌آباد.

جالب آنکه در سفرنامه قم نه‌تنها اشاره‌ای به مسیر تاریخی و متروک‌شده پیشین ری به قم یا راهی که عبدالغفار به شرح مزایای آن پرداخته، نمی‌شود بلکه نظم گفتار و چینش محتوا بر مبنای تأیید اقدام میرزا ابراهیم و علی‌اصغر خان امین-السلطان شکل می‌گیرد و حتی با تلاش برای پیشینه‌یابی راه جدید مجموعه برهان‌هایی از نظر طبیعی، تاریخی و اجتماعی طرح و ترکیب شده تا پیش‌فرض نگارنده مقبول افتد و باززنده‌سازی خط‌سیر به خواننده القاء شود. در همین راستا کاروانسرای دیر گچین با موقعیت و جایگاه شناخته‌شده در شمال شرق حوض سلطان با علی‌آباد در شمال غرب این دریاچه یکی دانسته می‌شود! و علت نابودی آبادی‌های گذشته در امتداد راه جدید و دلیل روی گردانی مسافران از توجه و استفاده از آن به دگرگونی‌های زمانه، تغییر حکومت‌ها و یورش اقوامی چون مغولان نسبت داده می‌شود. این همه، از زمینه‌چینی‌های نظری، تدارک اسناد و تأمین دلیل برای القای سنتی بودن یا

گزارش مسافرت رکن‌الدوله در گزاره‌هایی صریح و دلالت‌هایی ضمنی اما مؤکد نظر و مشاهده ناظری را بازتاب می‌دهد که ده سال بعد از عبدالغفار و سفرنامه خوزستان او و پنج سال پس از مسافرت علی‌اصغر خان امین‌السلطان و سفرنامه ذهابیه-اش از محدوده مورد بحث گذشته و به احتمال قوی از نقدهای برخی و تأییدهای برخی دیگر در مورد طرح راه‌سازی «پدر و پسر» آگاه بوده و قضاوت خود را بر اساس دیده‌ها و البته گرایش آشکار به صاحب‌منصبان حکومتی استوار کرده است. از این‌رو، متن سفرنامه رکن‌الدوله با نگارش افضل‌الملک را می-توان پاسخی غیرمستقیم یا تلاشی همه‌جانبه برای رفع شبه‌ها و اثبات حسن یا تأثیر مثبت اقدام راه‌سازنه امین‌السلطان‌های ناصری نیز قلمداد کرد. بارزها یا به سخنی نمودهای موضوعی (سوزهای) و مفهومی (آبزه‌های) متن پیش‌خواننده عبارت است از:

- ارائه چشم‌اندازی روشن از محیط و محور ارتباطی تازه‌شکل-گرفته،

- تعیین فاصله‌ها و مسافت‌ها،

- اشاره گذرا به تنگناها و دشواری‌های طی راه،

- یاد املاک و مالکان،

- تأکید بر هزینه و مخارج آبادی‌ها،

- قدردانی از دست‌اندرکاران احیاء و توسعه،

- بیان استدلال‌های تاریخی ناظر بر توجیه موضع و انطباق خط‌سیر جدید با جاده قدیم ری- علی‌آباد- قم،

- رسیدن به استنباط‌های مبتنی بر مکان‌نگاری‌های محلی، نیازسنجی‌های اجتماعی و مقایسه‌های در زمانی،

- ذکر تاریخ آغاز راه‌سازی میرزا ابراهیم در سال ۱۲۹۸ق (دو سال پیش از درگذشت او) و پیگیری عملیات عمرانی به دست

اینگونه بازتاب‌ها بر ما معلوم نیست، شرح و جمع‌بندی مکتوب آنها در دسترس و بازبینی‌پذیر است.

تلاش برای پنهان داشتن حقیقت ماجرا و تلقی طبیعی بودن تغییر مسیر رودخانه‌ها، شکل‌گیری دریاچه و توجیه ساخت راه جدید از همان ابتدا آغاز شد و البته واکنش‌هایی را نزد برخی آگاهان و متن بعضی نوشتارهای هم‌زمان به جا گذاشت. به نظر می‌رسد مجموعه‌چنین زمینه‌هایی باعث شد تا امین‌السلطان پسر در خلال سفرنامه خود به قم بخشی را به توضیح موضوع و رد مسئولیت‌های پدر، نفی منفعت‌طلبی‌های او، نقش اراده همایونی در این باره، موجه‌سازی پیشامدها و بیان دیدگاه فنی و نسبت پدیده‌ها به تأثیر علل و عوامل جغرافیایی و پاسخ به مدعیان به زعم وی حسود و مغرض با زبانی آکنده به سرزنش و پرخاش اختصاص دهد و حتی وزرای دولت و امنای سلطنت و علمای ملت را نیز با خویش هم‌رای و هم‌ساز قلمداد کند.

میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان و در واقع منشی یا سفرنامه‌نگار او در بخش پایانی گزارش روز یکشنبه ۱۷ صفر ۱۳۰۴ ق ذیل شرح شکل‌گیری دریاچه حوض سلطان با نگاهی به گذشته و توجه به جغرافیای مکانی و محیطی مسیر و محدوده سفرش در بخشی از حوضه مسیله چنین می‌نویسد:

سابقه داشتن جاده احداث شده یا به زعم سفرنامه‌نویس ما مسیری که کمر به احیاء آن بسته شده و ستایش عمل و پاسداشت ثمره کار امین‌السلطان‌های ناصری حکایت دارد.

با این حال، ماجرا به همین جا پایان نمی‌یابد. کشمکش‌های ارباب و رعیتی، ناسازی‌های حکومتی و مردمی و کنش‌ها و واکنش‌های میدانی و نظری درباره عزم و اراده، قصد و آهنگ و نتیجه و تأثیر برنامه راه‌سازی دو صدراعظم دوره ناصری فصل مشترک شرح و بسط‌های سفرنامه‌های (مدرسی طباطبایی ۱۳۵۵: ۲۰۷ تا ۲۱۱)، بررسی‌های اکتشافی (مستوفی ۱۳۵۰، صص. ۴۹ تا ۵۲)، برنامه‌های بازشناسی (سیرو بی‌تا، صص. ۲۵۰ و ۲۵۱؛ Siroux 1949: 139-141) و بازنگری‌های موردی (شکوهی ۱۳۸۵، صص. ۷۱ و ۷۲) بوده است.

دفاعیه اتابک: تبرئه پدر، فرمانبرداری خود، خدمت هر دو

مجموعه نکته‌ها، موردها و دیدگاه‌هایی را که از دریچه نقد یا انگیزه تأیید طرح عمرانی امین‌السلطان‌های پدر و پسر در حوضه مسیله / حوض سلطان بازگفتیم، از نظر بنیان برنامه راه‌سازی نه‌تنها دور نبود که واکنش‌های آنان را نیز در همان زمان برمی‌انگیخت. هرچند مراتب شفاهی و گفتاری، فکری و اعتقادی و مشاوره‌ای و مقابله‌ای

«بنای دریاچه:

دیگر در باب دریاچه ساوه که منظر علی‌آباد و این قلعه سنگی واقع شده همان کویر حوض سلطان است که قبل از این خشک و جای آن اراضی وسخه^{۱۳} شوره و کویر بوده، و نیز قبل از تولد حضرت ختمی‌مآب (ص) در زمان دولت پیشدادیان عجم و ضحاکیان عرب و کیانیان و یونانیان و ملوک الطوائف اشکانیان و ساسانیان که آخر دولت طوایف عجمان بوده این مورد و نقطه دریا و پرآب و این کویر امتدادش تا بیابانک و جندق و حوالی طیس و لوط زنگی‌احمد و بلوچستان که منتهی بخاک سند است و از آنجا به دریای محیط^{۱۴} متصل شده قریب به کراچی بندر که از بنادر معروف سند است. از زمان تولد حضرت رسالت‌پناه (ص) خشک شده تا شش هفت سال قبل از این که کم‌کم آبی پیدا نموده تا باین حد که اکنون ذکر می‌شود:

آنچه الحال پر آب است دو فقره و دو قطعه بنظر می‌رسد یکی بزرگ و [یکی] کوچک‌تر، امتداد هر دو فقره از طرف مغرب است به مشرق. آن که بزرگتر است همان است که [در] منظر علی‌آباد و کوشک‌نصرت واقع [شده]، تقریباً طرف جنوب‌شرقی و مشرق این دو نقطه واقع است. عرض این فقره و قطعه دو فرسخ، طولش چهار فرسخ، خط فرضی محیط آن ده فرسخ [است].

اما قطعه و فقره کوچکتر آن طرف مشرق علی‌آباد محاذی^{۱۵} منزل حوض سلطان [است] که تمام کویر و جاده قدیمه را فرو گرفته و نیز مایل بسمت مشرق آنجاست که همان خط کویر و شوره‌زار است که امتداد بسمت سمنان و بیابانک جندق



و طبس و حوالی کرمان و بلوچستان دارد. طول این فقره دو فرسخ، عرضش یکفرسخ [است] که دوره محیط وی زیاده از پنج شش فرسخ نمی‌شود.

اگرچه بواسطه عدم محاذات و بعد تحدیدش درست نمی‌شد،[لیکن آنچه به نظر رسید همین است که عرض شد.» (مدرسی طباطبایی ۱۳۵۵، ص.ص. ۲۵۲ و ۲۵۳).

بدین ترتیب، نگاه گذرا به پیشینه غالباً متکی به تاریخ باستانی، جغرافیای عمومی، اطلاعات مذهبی و توصیف محیط و مختصات طبیعی حوض‌سلطان، درآمد دفاعیه اتابک از عملکرد پدر و توجیه کنش‌های خودش در ادامه قرار می‌گیرد:

«اما علت و جهت پیدا شدن آب در این کویر سراسر سراب و تشکیل یافتن دریا در این صحرای خشک بی‌منتهی: اگرچه بعضی حساد عاری از علو^{۱۶} و سداد^{۱۷} و جهال فاقد عقل و وقاد^{۱۸} و رجال رجاله^{۱۹} فاسدالاعتقاد و اطفال بی تربیت نادیده اوستاد و اغوال^{۲۰} ضال^{۲۱} نایافته ارشاد که علیل از مرض حسد و بخالت و ذلیل از غرض حقد^{۲۲} و جهالت، آنانکه از سراب سرور^{۲۳} حسد مغرور و از شراب شرور^{۲۴} جسد مسرور و در احلام^{۲۵} غفلت مخمور^{۲۶} و در ظلام^{۲۷} جهالت نابینا و کور، با این که بحول‌الله در حضور [—] بهمت جناب رب‌الارباب^{۲۸} [—] احباب^{۲۹} و اصحابند،[لیکن در غیاب چون کلاب^{۳۰} عاویه^{۳۱} دندان را گاز و مانند ذباب^{۳۲} قایوه^{۳۳} زبان را دراز نموده و تشکیل دریا را نسبت به جناب جلیل اجل آقا [ابراهیم امین‌السلطان] داده‌اند که برای طمع حصول تمنا و آمال و وصول به ازدیاد مال و منال صحرا را دریا نموده و قطع شوارع و ممشا^{۳۴} کرده. سبحان‌الله ثم سبحان‌الله. این تهمت است بر وی و بر دودمان وی.

دور دور از همت والای او که غرض گردد طمع فرمای او

این نسبت بسیار شبیه تهمت سفاهتی^{۳۵} است که معاندین^{۳۶} یثرب و بطحا^{۳۷} به رسول خدا (ص) و شبیه نسبت سرقتی است که منافقین بی‌شرم و حیا به علی عالی اعلا داده‌اند. بپردون ان یطفثوا نورالله بافواهمهم.^{۳۸} ولیکن: یأبی الله [الا] ان یتم نوره و لو کره المشرکون [الکافرون].^{۳۹}

ای بریده آن لب و حلق و دهان کو کند تف سوی ماه آسمان

تف بریشش باز گردد بی‌شکی تف سوی گردون ندارد مسلکی^{۴۰}

باری از این تهمتهای دروغ و نسبتهای فریه^{۴۱} بی‌فروغ نه رفعت دیدار مرتبتش منثل^{۴۲} و نه وسعت ساحت عزتش کاست و کم. چون از حس خفاش و حربا^{۴۳}، [آفتاب عالم‌تاب را نقص و وبال^{۴۴} نی و از رشک بق^{۴۵} و بعوضه^{۴۶} باد جهان‌پیما را تعویق و اخلال کی.

ذم خورشید جهان ذم خود است که دو چشمم ناقص است و مرمد است^{۴۷}

تا کی توجه به اراجیف حساد دون؟ تا چند تطف^{۴۸} به زخاریف^{۴۹} جهال مجنون؟

فذرهم فی خوصهم یلعبون^{۵۰} « (مدرسی طباطبایی ۱۳۵۵، ص.ص. ۲۵۳ و ۲۵۴).

گزینش واژگان، طرح ترکیب‌ها، توسل به مثال‌ها، رعایت نسبت‌ها، تمسک به سوره‌ها و آیه‌های قرآنی و به‌طور کلی نوع و سیر گفتار از یک سو و درک پس‌زمینه آنچه امین‌السلطان یا کاتب او درباب نفی آراء و داوریه‌های خاص و عام در مورد برنامه

راه‌سازی در حوضه مسیله نگاشته از بارزه‌های خوانشی و ادراکی بخش دوم گزارش مورد بحث است. در واقع تندی و تیزی سخن‌ها، اهمیت و تأثیر نظرها، افشا و رواج نقدها درباره منظور و مقصد میرزا ابراهیم و علی‌اصغر خان امین‌السلطان برای ایجاد

«بزرگان فرومایه» (رجال رجاله...)، «حاضران حضور» (در حضور بهمت جناب...»، «یاران و نزدیکان» (احباب و اصحاب)، «سخن‌چینان دسیسه‌چین نزد شاه یا خاندان شاهی» (در غیاب چون... نه مردم کوچه و بازار که افراد، شخصیت‌ها و آیند و روندگان دائم به دربار و هیئت حاکمه زمان باید تلقی کرد. دست‌کم رتبه و خطاب به چنین کسانی در پاسخگویی اتابک مقدم بر مردم عادی بوده است. «استناد به آیه‌ها»، «تضمین بیت‌های شناخته‌شده» و «اصولاً سبک و آهنگ نگارش» نه برای قشرهای فرودست که با هدف اطلاع کارگزاران بالادست حکومتی و چه بسا شخص شاه و جلب حمایت‌های ضمنی آنها و تلقین بی‌گناهی پدر و پسر در به سختی افتادن مسافران است. ادامه نوشتار بر قوت و تأیید چنین برداشتی دلالت می‌کند:

راهی نو میان ری و قم در مجموع باعث واکنش تندتر اتابک و نفی و طرد شدیدتر مخالفان یا رقبای سیاسی او در متن حاضر شده است.

از طرفی، سواد و اطلاعات ادبی، قرآنی، مذهبی، دیوانی و جغرافیایی نویسنده و اشراف او بر دایره سیاست و محیط جامعه دوران خود و شناخت خاستگاه و منش کنشگران پیرامون، جملگی خبرگی او را در تهیه و تدوین و چیره‌دستی - اش را در ثبت و نگارش در پی آورده است. همچنین مرور نوشتار پیش‌گفته درک غیرمستقیم بخشی از فضای حاکم بر دستگاه اداری - مدیریتی دوره ناصری و کشمکش‌های پنهان و آشکار دست‌اندرکاران یا گروه‌های رقیب را می‌نمایاند.

مسلماً منظور نویسنده را از کاربرد واژه‌ها و ترکیب‌ها یا مفهوم‌ها و دلالت‌هایی چون «بعضی حساد» (عاری از...)

«این معنی برهمنهٔ وزرای دولت و امنای سلطنت و علمای ملت و حکمای با تربیت اوضح من الشمس^{۵۱} و ابین من الامس^{۵۲} است که جناب اجل بواسطهٔ خدمت به دولت و امثال امر اعلی‌حضرت سلطنت و تسهیل عبور و مرور کافهٔ برایا^{۵۳} و عامهٔ رعایای ملت از خارجه و داخله چندین هزار تومان علاوه بر آنچه از دولت اخراجات^{۵۴} شده، [ایشان شخصاً اخراجات نموده - اند،] بلاعوض [و] بدون غرض، نه از کسی تشکر خواسته و نه دل به امید جزای احدی بسته، اگر چنانکه حسد حساد بقرب و عزت سلطانست آنچه را ایشان دارند هر که دارای آن شود،] عزیز سلطان است چنانکه حکما فرموده‌اند:

من عدم العقل لم یزده السلطان عزاً^{۵۵}

ای حسد زاید^{۵۶} الجهل! ای حاقد^{۵۷} فاقد العقل! «گرتو مرد رهی بیا و بیار» و گرنه از این مرحله گذشته و از این مسأله چشم فروهشته^{۵۸}، باید ملاحظه نمود و متنبه^{۵۹} و متفقه^{۶۰} شد که جناب اجل با اینکه از همهٔ وزرای حول مرکز سلطنت اقل سن^{۶۱} و اصغر جئه^{۶۲} هستند، [معلوم است که چرا اکبر رتبه و اعظم مرتبه و اکثر منصباً^{۶۳} و شغلاً واقع شده و هم کمتر کسی است از اعظم که از ابتدای سن ایشان واقف به حالاتشان نبوده بلکه کمال احاطه را هریک دارند که از اول عمر با عصمت و عفت،] تارک^{۶۴} محرمان و مکروهات، عامل واجبات و مستحبات، صاحب برکات و خیرات، معطی^{۶۵} زکات و تصدقات، وافی^{۶۶} و فاء و احسان کافی^{۶۷} پناه و امان، با حمیت^{۶۸} و حمایت، با شهامت و کفایت، با حیاء و صفاء، با نوال^{۶۹} و کمال، با فضل و فضایل،] با عقل و عقایل، با رأی و رویت با همت و عطیت^{۷۰} [بوده‌اند].

صدقیامت بگذرد وین ناتمام^{۷۱}

تا قیامت گر بگویم این کلام

باری در ابتدای بنای تغییر جاده جناب اجل را کلیتاً مداخله‌ای در این عمل نبوده تا اینکه برای رواجش تشکیل دریا را به ایشان نسبت دهند، بلکه این تغییر جاده برورش از مصدر جلال اعلی‌حضرت همایونی و امثالش از مرحوم [میرزا ابراهیم] امین‌السلطان جنت مکان شده. از آنجایی که ضمیر منیر اعلی‌حضرت شاهنشاهی متقابل با الواح قضاو قدر الهی است،] واقعات آتیه از لوح محو و اثبات الهیه در آن آئینهٔ جهان‌نما منعکس و مترائی^{۷۲} شده که این بیابان — یعنی کویر حوض سلطان — به حالت اولیه که دریاچهٔ ساوه و پرآب بوده عود^{۷۳} خواهد کرد. از برای علاج و تدارک این واقعهٔ حتمیه

وکان امرالله مفعولاً^{۷۴}

در ده سال قبل از وقوع از مصدر سلطنت جاده قدیمه ممنوع و در تجدید این جاده بشروع فرمان داده شد. مرحوم مبرور^{۷۵} جنت مکان امین‌السلطان که نیز از مصالح منوبه^{۷۶} و حکم مخفیه و واردات غیبه و اشارات لاریبیه^{۷۷}

قلب السلطان ما بین اصبعی الرحمان^{۷۸}

یعنی نتایج اوامر اعلیحضرت ظل‌اللهی اطلاع و آگاهی داشته، همت را در موافقت و همراهی بر این گماشته که این عزم را محض خیال از مصدر جلال پندارند و این امر را لازم‌الاتباع و واجب‌الامتثال دانند.

پس از آن،^{۷۹} مرحوم مبرور خود مأمور این امر مزبور شده و در صدد این منظور که تسهیل عبور و مرور مسافری از نزدیک و دور است از خواص و عوام ابتدا و اقدام نموده، اما بواسطه اجابت داعی^{۷۹} «والیه المصیر^{۸۰}» اتمام آن از ایشان صورت‌پذیر نشد. ولی چنانکه بنای مسجد اقصی شروع از داود و اختتام آن از سلیمان بود،^{۸۱} این جاده و ممشا نیز از آن قدس‌آشیان ابتدا شده و اختتام و اتمام آن از اهتمامات این قدسی‌صفت [میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان] گردیده که اگر چنانچه کشف این معنی در باطن شاهنشاه عالم‌پناه نمی‌شد و کرامتی در اظهار و وقوعش نمی‌فرمودند اکنون بواسطه قطع این جاده،^{۸۱} تمام عابری و مسافری در محذورات^{۸۱} و معسورات^{۸۲} واقع بودند.» (مدرسی طباطبایی ۱۳۵۵، صص. ۲۵۴ تا ۲۵۶).

بخش فرجامین گزارش در پی تمامی مقدمه‌سازی‌ها و قلم‌فرسایی‌های روشن‌گرایانه و جانبدارانه، دیدگاه فنی و برداشت تجربی و نظر کارشناسی اتابک را برای ختم کلام دربردارد:

«سبب واقعی تشکیل دریاچه:

اما از روی واقع که حساً ثابت شد با کمال استکشاف^{۸۳} و استطلاع^{۸۴}: سبب پیداشدن و تشکیل دریا این است که همیشه رودخانه قم و رودخانه شور در فصل تابستان و پاییز خشک می‌شد و آب آنها مقطوع، الحال شش سنه است که آب هیچ یک از این رودخانه‌ها در این دو فصل مقطوع نشده.

و نیز در کویر سدی یا خط جاده‌ای را ساخته بوده‌اند با سنگ به وضع محدب، به جهت عبور عابری و مسافری در زمستان که کویر گل و آمدوشد مشکل بوده بر آن عبور می‌کرده‌اند و این راه ساخته سدی بوده است برای مجاری این آب‌ها که به ورامین می‌رفته، آب بطرف شمال که این کویر واقع است میل نمی‌نموده، بواسطه مرور دهور^{۸۵} این سد و راه عبور خراب شده آب رودخانه‌ها میل به این طرف نموده جمع شده و دریاچه تشکیل یافته.» (مدرسی-طباطبایی ۱۳۵۵: ۲۵۶).

شاهد طلبیدن صاحب‌منصبان حکومتی و دانشمندان و فرهیختگان مملکتی در تأیید خدمت خالصانه میرزا ابراهیم امین-السلطان برای جاده‌سازی میان ری و قم با مشارکت پیمانکار خارجی و تخصیص بودجه داخلی و حتی بذل اموال شخصی میرزا ابراهیم بدون چشم‌داشت و به‌رغم نظر بدخواهان و آزار رشک‌بران از بند آغازین بخش یادشده به خوبی هویدا است. تأکید بر پاکدستی و پاک‌زیستی و التزام به اوامر دینی و دوری از نواهی شرعی ادامه توجیه‌هایی است که در تبرئه بانی تغییر مسیر سنتی در حوضه مسیله / حوض سلطان مطرح می‌شود. در گزاره‌های بعدی القای منشاء تصمیم و انتساب صدور اراده این دگرگونی تأثیرگذار به پادشاه وقت، ناصرالدین‌شاه قاجار، دنبال می‌شود و طبق روش — دیگر اکنون شناخته‌شده — نویسنده مثال‌هایی قصار یا الگوهای مفهومی - استعاره‌ای نیز منطبق با بستر و معنای بحث به کار می‌آید. قالب، چینش و خط‌مشی گزارش و شرح ماجرا با گذر از دوران حیات میرزا ابراهیم به زمان میرزا علی-اصغر خان رسیده و بهره‌برداری از طرح عمرانی و پایان سختی‌های پیش‌آمده برای مسافران محصول همت فرزند و پیگیری و پشتیبانی حاکم شمرده می‌شود.

«اتکا به واقعیت مشاهده‌شده میدانی»، «استنباط از دیده-های محیطی»، «درک و شناسایی علت و معلول‌ها» و «کسب خبر و اطلاع از اهالی یا آگاهان مطلع از موضوع» شکل‌گیری دریاچه حوض سلطان و بایستگی تغییر در مسیر ارتباطی شمال- جنوب چهار مؤلفه مشهود در تدوین بخش پایانی گزارش امین‌السلطان از متن و حاشیه پدیده‌ای است که پیش‌تر با مقدمه‌چینی مشروح، یادآوری‌های کلی یا جزئی و تبیین‌ها و استدلال‌های نام و نشان‌دار به توضیح‌اش پرداخته است.

اطلاع و ارجاع به سابقه کم‌آبی یا خشکی رودخانه‌های قم و شور در فصل تابستان از یک سو و اشاره به تغییر یا وقفه شش ساله در سیر چنین پدیده‌ای با توجه به دگرگونی اوضاع آب و هوایی یا افزایش بارش در فصل‌های پیش از تابستان یا وقوع ترسالی در واقع طرح عوامل طبیعی یا فرافکنی برای زمینه‌های تصمیمی است که امین‌السلطان‌های پدر و پسر (به نادرست از منظر آنها) مسبب و پیگیرشان دانسته می‌شده‌اند. همچنین، استناد به تخریب تدریجی سد یا خاکریز ارتباطی قوسی‌شکلی که — به منظور آمدوشد مسافران در مسیری کم‌گل و لای در کویر به گاه زمستان — با سنگ ساخته شده بود و نقش این آب‌بند در هدایت یا تأمین آب بخش‌هایی از منطقه ورامین و دقت در دشواری‌های زمین-ریخت‌شناسی جریان آب از جنوب به شمال و در عوض روان‌شدن آن به گودی حوض سلطان نگرش‌های فنی و ارزیابی‌های مهندسی تکمیلی را نمایان می‌سازد.

بحث و نتیجه‌گیری

تغییر در بخشی از سیمای طبیعی و قسمتی از چشم‌انداز بکر پهنه کویری جنوب تهران و دگرگونی در پاره‌ای از خط‌سیر ارتباطی شمال- جنوب (تهران و ری با قم و اصفهان) در سالهای آغازین سده چهارده قمری رویدادی چشمگیر، مهم، معنادار و بسیار تأثیرگذار در آمدوشد مسافران بود. «ناپسندی و نقد» از یک‌سو و «ستایش و تأیید» از سوی دیگر را باید برجسته‌ترین واکنش‌های همزمان و حتی معاصر

در برابر وقوع چنین تصمیمی و تحقق اینگونه طرحی برشمرد. به نظر می‌رسد قوت، رواج، دامنه و بازتاب منفی ایرادها آن قدر بود که میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان در سفرنامه خود به نام «علی‌آبادنامه یا سفرنامه ذهابیه قم» که شرح مشاهده‌ها و رویدادهای چهار روز آغاز سفر او از شنبه ۱۶ صفر تا سه‌شنبه ۱۹ صفر سال ۱۳۰۴ ق است، به دفاع از نیت، هدف، روش و رویکرد خود و پدرش بپردازد و بدین- ترتیب سندی تاریخی با ویژگی‌ها و آرایه‌های ادبی نیز شکل گیرد. بخش اقتباسی از علی‌آبادنامه — در کنار ارزش پژوهشی یا استنادی موضوع و وفاداری پیوسته به آن — ویژگی‌هایی چون «اهمیت واژه و گزاره»، «توجه به روابط مفهومی و شبکه زیبایی‌شنانه متن» و «رعایت گیرایی در نوشتار» را هم می‌نمایاند. از طرفی، خوانش گزارش موجود دال بر کاربرد آرایه‌هایی چون تشبیه، استعاره، تضمین و ایهام است. به نظر می‌رسد مجموعه شواهد موجود در متن یادشده ما را با دفاعیه‌ای — اگر نه رسمی دست‌کم یادمانی — مبتنی بر ذکر پیشینه، آگاهی از اوضاع، روند قضایا، رد تردیدها، تأکید بر موضع و نظر مدافع و به‌طور کلی روادشت صدق گفتار و درستی کردار او و منسوبش روبرو می‌کند. بر همین اساس نویسنده برای بیان روشمند و تأثیرگذار نوشتار خود از دانسته-های ادبی، تاریخی، جغرافیایی، دینی، روایی، سیاسی و پدیدارشناسی و تفحص‌گری میدانی نیز سود جسته و سخن را با اتکا به دانش و مهارت نویسندگی و با هدف تبریته هر دو مظنون یا متهم در فضای عمومی پیش می‌برد و تمامی آنچه که پیش آمده و نتیجه داده را پیامد «دگرگونی‌های طبیعی»، «فرمانبرداری از اراده ناصرالدین‌شاه» و «خدمت خود و پدر به کشور و مردم» می‌شمارد.

لحن تند و گزاره‌های مملو از صفت‌ها و نسبت‌های نکوهیده و توجیه‌های شخصی، اداری، دیوانی و گواهی‌های خودخوانده در مقام پاسخ به منتقدان و تطهیر پدر از ایرادها و دوری او از مسئولیت‌های مستقیم و انتساب علل و زمینه‌های واقعه به ناصرالدین‌شاه، در پایان مطالب به دیدگاهی کارشناسانه می‌انجامد و اسباب و علل جغرافیایی و مشکلات

دست‌کم هزاروهشتصد ساله متصور است، ظاهراً روندی تطوری را هم — با مثال‌ها، اسناد و نمونه‌های بارز — باید قائل شد.

اما از نظر جستارهای میان رشته‌ای یا بازبینی‌های فرامتنی، گزینش و گزارش آنچه از علی‌آبادنامه خواندیم فراتر از ساختار نوشتار و در ورای پیام روشن و صریح خود سندی است برای مباحث تحلیلی در بررسی باستان‌شناسی حوضه مسیله و مدرکی برای درک برخی چرایی‌های چشم‌اندازهای پیش رو و فهم بعضی چگونگی‌های دگرگشت در سیمای این محدوده خاص جغرافیایی در جنوب دشت تهران.

به کوتاه سخن، موضوع مورد بحث در این مقاله که بر محور طرح عمرانی دوره صدرات امین‌السلطان‌های ناصری در حوضه مسیله تدوین شده، مهم‌ترین تغییر انسانی مستند به مشاهده‌ها، گزارش‌ها و نقدهای مکتوب همزمانی را یادآور می‌شود که تا پیش از روزگار حاضر در پاره غربی آن حوضه روی داده است. گذشته از مقایسه‌ها و مقابله‌های برون‌متنی و ارزیابی‌های درون‌متنی پیش‌گفته، توجه به گزارش این رویداد و واکاوی نوشتار علی‌آبادنامه و حاشیه‌های فصلی معنادار از نمونه‌های «تأثیر تاریخ بر جغرافیا» و براین‌دشان بر تحول عرصه‌های جغرافیایی هدف در بررسی‌های باستان‌شناختی را پیش رو می‌گذارد.

تعارض در منافع

نویسنده تعارضی در منافع گزارش نکرده است.

فنی موجب دو پدیده مؤثر بر زیستبوم منطقه — ایجاد یا باززنده شدن دریاچه حوض سلطان و بایستگی تغییر در خط-سیر پیشین ارتباطی — قلمداد می‌شود. به هر روی، عملکرد عمرانی امین‌السلطان‌های پدر و پسر در حوضه مسیله/حوض-سلطان جدا از نوشتارهای همزمان در پژوهش‌های نظری و میدانی معاصر نیز موضوع بحث و تحلیل بوده است. در هر اثری بسته به عنوان و رویکرد، ضمن یادآوری اطلاعات پایه بر برخی موارد و نکته‌ها تأکید شده و مجموعه تبیین‌ها و برداشت‌ها دست‌مایه مقایسه‌ها و ارزیابی‌ها قرار گرفته است.

«علی‌آبادنامه» به‌طور عام و بخش منتخب آن در این مقاله به‌طور خاص نشان می‌دهد که تغییرات انسانی تاریخ‌مند در چشم‌اندازهای طبیعی، تاریخی و باستانی ولو امروزه متروک یا بسیار تُنک از جمعیت یا بدون آبادهای شاخص نه‌تنها دور از ذهن نیست، بلکه در مواردی مدارکی قاطع از رویداد آنها وجود دارد. مثلاً، گذشته از دست‌اندازی‌های عمرانی سال‌های اخیر در برخی قسمت‌های زیستبوم جنوب دشت تهران چون ساخت و توسعه شهرک‌های صنعتی (چرمشهر و شمس‌آباد) و احداث مسیرهای ارتباطی (بزرگراه گرمسار- قم یا کنارگذر جنوب تهران)، در اسناد تاریخی هم به نمونه‌هایی از مداخله‌های انسانی مؤثر بر سیمای طبیعی حوزه جغرافیایی مورد بحث برمی‌خوریم. امروزه نه‌تنها خط‌سیر راهی که امین‌السلطان‌های ناصری میان ری و قم احداث کردند در قالب دو «جاده قدیم» و «بزرگراه» (اتوبان) تهران- قم توسعه و تطوری کارآمدتر یافته، بلکه راه کهن‌تری که از کنارگرد به سوی دیر گچین و سپس به قم امتداد داشت و تا مدت‌ها (حدود ۱۳۷ سال از ۱۲۹۸ق تا ۱۴۲۵ق) تقریباً متروک بود، با ساخت بزرگراه قم- گرمسار و وجود شاخه‌ای فرعی از آن در نزدیک چرمشهر (به سوی ورامین و حسن‌آباد) بار دیگر رونقی چشمگیر گرفته است. به تازگی نیز «قطعه چهارم کنارگذر آزادراهی جنوب تهران» بزرگراه‌های تهران- قم در غرب و گرمسار- قم در شرق را به

پی‌نوشت‌ها

۷. میرزا عبدالغفار اصفهانی مشهور به نجم‌الدوله یا نجم‌الملک مهندس، منجم و استاد ریاضی مدرسه دارالفنون و از سرآمدان حساب، هندسه، نجوم و نقشه‌برداری در دوره قاجار. نخستین نقشه دقیق تهران پس از توسعه پایتخت در دوره ناصری به همت نجم‌الملک کشیده شد.

۸. محمدتقی میرزا ملقب به رکن‌الدوله، شاهزاده قاجار و پسر سوم محمدعلی‌شاه، حاکم تهران، زنجان، خراسان و فارس. غلامحسین بنان (۱۲۹۰ تا ۱۳۶۴خ)، خواننده موسیقی سنتی ایران، نوه دختری اوست.

۹. سفرنامه قم در سال ۱۳۳۴ق (بیست‌وپنج سال پس از سفر محمدتقی رکن‌الدوله) به دست میرزا غلامحسین‌خان افضل-الملک نوشته شده است.

۱۰. جالب آنکه در برخی جستارهای پسینی، پیدایی و رواج مثل «خیالی بودن شهر علی‌آباد» به از رونق‌افتادن و متروک‌شدن علی‌آباد حوض سلطان نسبت داده شده است، نه علی‌آباد اصفهان یا مازندران یا مکانی دیگر:

«شهرت علی‌آباد [راه تهران-قم] معروف شد، ولی بعدها که علی-آباد مخروبه شد و دیگران از آن دیدن کردند چون شهرت گذشته با وضع حاضر منطبق نبود، [ضرب‌المثل (فکر می‌کردیم علی‌آباد شهرت) رایج گشت] (مستوفی ۱۳۵۰، ص. ۵۰).

۱۱. أَلَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبَلَدِ: همان شهری که مانندش در شهرها آفریده نشده بود (قرآن کریم سوره فجر، آیه ۸).

۱۲. طاب ثراه: پاک و پاکیزه باد خاک او.

۱۳. وسخه: کثیف، آلوده.

۱. مدرسی طباطبایی (۱۳۵۵، ص. ۲۱۱؛ ۱۳۵۶، ج الف، ص. ۱۶) نشانی نسخه اصل سفرنامه علی‌آباد را به شماره ۲۳۱۵ شامل ۴۴ برگ و دو تصویر در کتابخانه مجلس شورای ملی سابق ذکر می‌کند. در اینجا متن چاپ‌شده علی‌آبادنامه در کتاب راهنمای جغرافیای تاریخی قم (مجموعه متون و اسناد) منبع نقل، محور بررسی و ملاک شرح و تحلیل قرار گرفته است. بنابراین، ضمن جلب نظر خواننده پیگیر به برخی پیش‌آگاهی‌ها درباره تفاوت‌های «احتمالی» یا تباین‌های «سهوی» میان اصل و نسخه چاپی علی-آبادنامه یا بروز برخی افتادگی‌ها یا افزودگی‌های جزئی «محمول» در سند دومی، بر صحت کالبد و واقعیت محتوا تأکید کرده و بر کم‌تأثیری گمان‌های یادشده بر متن کلی و مجموعه گفتار اذعان داریم.

2. synchronic.

3. diachronic.

۴. به نظر می‌رسد نویسنده یادداشت، اولاً «کسوت» را «کتوت» نوشته و ثانیاً «کسوت ترمه سرداری» را «کسوت سرداری ترمه» آورده است.

۵. از نظر تاریخی دست‌کم دو راه ارتباطی دیگر در غرب حوض-سلطان با راستای شمال به جنوب و شرق به غرب وجود داشت (Siroux 1949, fig 99). یک از آنها، که سیرو با شماره ۴ مشخص کرده، از رباط کریم به آبادی پیک در جنوب غرب رباط رسیده و از آنجا رو به جنوب در شمال حاجی‌آباد به مسیر ۳ می‌پیوست. دیگری، به شماره ۵ در نقشه سیرو، از انجیل‌آباد در شرق ساوه با راستای غرب به شرق از جاده ۳ گذشته و پس از گذر از قلعه سنگی و قطع جاده ۲ به کاروانسرای دیر منتهی می‌شد (نقشه ۱).

۶. طرفه: سخن نغز یا نکته ظریف و معنادار.



۱۴. دریای محیط: دریای احاطه‌کننده زمین. دریایی که آفتاب در آن غروب می‌کند، برابر با اقیانوس اطلس.
۱۵. محاذی: روبرو، مقابل. محاذات: رویارویی، روبرویی.
۱۶. علو: بزرگی، والایی.
۱۷. سداد: درست (کردار)ی و راست (گفتار)ی.
۱۸. وقاد: روشن‌ضمیر.
۱۹. رجاله: سفله، فرومایه.
۲۰. اغوال: غول‌ها، دیوها.
۲۱. ضال: گمراه.
۲۲. حقد: بغض، کین، دشمنی.
۲۳. سرور: شادی، سرخوشی.
۲۴. شرور: پلیدی.
۲۵. احلام: خواب‌ها، رویاها.
۲۶. مخمور: سرمست، خمار.
۲۷. ظلام: تاریکی، تیرگی.
۲۸. رب‌الارباب: پروردگار.
۲۹. احباب: یاران، دوستداران.
۳۰. کلاب: سگ.
۳۱. عاویه: بانگ‌زن، پارس‌کن.
۳۲. ذباب: مگس.
۳۳. قاویه: گرسنه.
۳۴. ممشا: راه عبور.
۳۵. سفاهت: دیوانگی.
۳۶. معاندین: دشمنان، ستیزه‌جویان، لجبازان [اهل ...].
۳۷. بطحاء: وادی واقع در میان مکه و منا در یک فرسخی مکه.
۳۸. «[کافران] می‌خواهند نور خدا را با دهان خود [به نفس تیره و گفتار جاهلانه] خاموش کنند» (قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۳۳).
۳۹. «ولی خدا به جز به کمال رساندن نور خود نمی‌خواهد، هرچند کافران را خوش نیاید.» (قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۳۳).
۴۰. اصل شعر:
- «ای بریده آن لب و حلق و دهان
که کند تُف سوی مه یا آسمان
تُف برویش باز گردد بی‌شکی
تف سوی گردون نیابد مسلکی»
(مولوی ۱۳۷۸، ص. ۹۹۵).
۴۱. فریه: دروغ و بهتان.
۴۲. منثلّم: شکافته‌شده، رخنه‌پذیر.
۴۳. حرّیا: سوسمار، سمندر، آفتاب‌پرست.
۴۴. وبال: سختی، عذاب.

۴۵. بق: پشه، ساس. کنایه از فرد پرگو.
۴۶. بعوضه: پشه ریز.
۴۷. واژه سوم مصرع دوم باید «روشن» و کلمه ترکیبی آخر «نامرمد است» [ابی عیب و نقص است] باشد. به نظر می‌رسد نویسنده دو مصرع دو بیت را در یک بیت آورده و منظور کنایه آمیز خود را با الهام از شعر اصلی نقل کرده است:
- «مادح خورشید مدّاح خودست
که دو چشمم روشن و نامرمدست
ذمّ خورشید جهان ذمّ خودست
که دو چشمم کور و تاریک بدست»
(مولوی ۱۳۷۸، ص. ۷۰۹).
۴۸. تَلَطَف: مهربانی، نرمی.
۴۹. زخاریف: حُسن ظاهر، آراستگی بیرون.
۵۰. اصل: ثَمَّ ذَرَّ هُمَّ فِی ... : رهایشان ساز تا همچنان به انکار خویش دلخوش باشند (قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۹۱).
۵۱. اوضح من الاشمس: از خورشید روشن‌تر.
۵۲. ابین من الامس: از دیروز پیداتر.
۵۳. کافهً برایا: همه آفریده‌ها.
۵۴. اخراجات: هزینه‌ها، مخارج.
۵۵. «هرکه ذلیل باشد به بی‌خردی، پادشاه وقت و خسرو روزگار او را عزیز نتواند کرد». چنین تضمینی شبیه گفته قصار سه پاره‌ای است که ضمن «حکایت بوزینگان» در نامه تنسر به گشنسب — به ویژه با تأکید بر جاری شدنش از زبان حکما — نقل شده است: «... حکما راست گفته‌اند که مَنْ عَدِمَ الْعَقْلَ لَمْ يَزِدْهُ السُّلْطَانُ عِزًّا، وَ مَنْ عَدِمَ الْقَنَاعَةَ لَمْ يَزِدْهُ أَمْوَالٌ غِنًى، وَ مَنْ عَدِمَ الْإِيْمَانَ لَمْ يَزِدْهُ الرِّوَايَةُ فِقْهًا - معنی آنست هرکه ذلیل باشد به بی‌خردی، پادشاه وقت و خسرو روزگار او را عزیز نتواند کرد، و هرکه خرسندی و
۵۶. زاید: بسیار.
۵۷. حاقد: بداندیش، کینه‌توز.
۵۸. فروهشتن: فرونهادن، بر زمین گذاشتن.
۵۹. متنبه: آگاه، هوشیار.
۶۰. متفقه: دانا، عالم. ظاهراً در متن اصلی متفقد (به معنی تفقدکننده، دلجو، غمخوار) آمده است.
۶۱. اقل سناً: کم سن و سال‌ترین.
۶۲. اصغر جثهً: کوچک اندام‌ترین.
۶۳. اکثر منصباً: دارای بیشترین شغل‌ها، فراوان‌ترین وظایف.
۶۴. تارک: رسته از، چشم‌پوشیده از.
۶۵. معطی: بخشنده، عطاکننده.
۶۶. وافی: وفاکننده، وفادار (به پیمان).
۶۷. کافی: بسنده، بی‌نیاز.
۶۸. حمیت: جوانمردی و آزادمنشی.
۶۹. نوال: دهش، عطا.
۷۰. عطیت: بخشش.
۷۱. «تا قیامت گر بگویم زین کلام
صد قیامت بگذرد وین ناتمام»
(مولوی ۱۳۷۸، ص. ۴۸۹).



۷۲. مترائی: بازتابیده.
را به جای کلمه «مومن» به کار برده است: «قلب المؤمن بین اصبعین من اصابع الرحمن» (قلب مؤمن میان دو انگشت از انگشتان خداوند قرار دارد و آن را هرگونه بخواد می‌گرداند). مقایسه با المجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷، باب ۴۴: ص ۳۹ و ۴۰.
۷۳. عود: بازگشت.
۷۴. «و فرمان خدا در هر حال شدنی است.»، سوره نساء، آیه ۴۷.
۷۹. داعی: خواننده به سوی سعادت و روز رستخیر؛ کنایه از پروردگار.
۷۵. مبرور: روان‌شاد.
۸۰. «و سرانجام همه به سوی اوست» (قرآن کریم، سوره تغابن، آیه ۳).
۷۶. منویه: مورد نظر.
۸۱. محذورات: گرفتاری‌ها، تنگناها.
۷۷. لاریبیه: مسلم، یقینی.
۸۲. مسعورات: دشواری‌ها.
۷۸. «قلب سلطان میان دو انگشت از انگشتان خداوند قرار دارد و آن را هرگونه بخواد می‌گرداند». به نظر می‌رسد نویسنده متن علی‌آبادنامه این جمله را از گفته پیامبر اسلام (ص) به وام گرفته و برای ادای مقصود خاص خود و تأکید بر پیش‌آگاهی میرزا ابراهیم از نیت شاه و مطیع بودن در برابر اراده او — که آن نیز به زعم سفرنامه‌نویس ملهم از فیض الهی بوده — واژه «سلطان»
۸۳. استکشاف: شناسایی، اکتشاف.
۸۴. استطلاع: پرس‌وجو، آگاهی.
۸۵. دهور: روزگاران.

منابع

- افضل الملک، غلامحسین (۱۳۸۴). سفرنامه قم، تصحیح و تحقیق زهرا اردستانی، چ ۱، قم: انتشارات زائر.
- حدید، مختار (۱۳۹۰). اندر احوالات ایران و ایرانیان؛ امین السلطان در سفر به اطراف و اکناف جهان، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- سیرو، ماکسیم (بی تا). کاروانسراهای ایران و ساختمانهای کوچک میان راهها، ترجمه عیسی بهنام، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- شکوهی، مهرداد (۱۳۸۵). «دیر گچین؛ کاروانسرای ساسانی در جنوب سرزمین ری»، ترجمه فرشید مصدقی امینی، مجله باستان شناسی و تاریخ، ۲۰ (۱) و ۲، پیاپی ۳۹ و ۴۰، ص ۶۷ تا ۸۱.
- قرآن کریم (۱۳۷۶). ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی، چ ۳، تهران: دارالقران الکریم دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- المجلسی، الشیخ محمدباقر (۱۹۸۲). بحار الأنوار؛ الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، ج ۶۷، چ ۳، بیروت: دار احیا التراث العربی.
- مدرسی طباطبایی، حسین (۲۵۳۵). راهنمای جغرافیای تاریخی قم (مجموعه متون و اسناد)، مجلد اول، قم: چاپخانه حکمت.
- (۱۳۵۶ الف). «کتاب شناسی قم در دوره ناصری». فرهنگ ایران زمین، ج ۲۲، ص ۱۰ تا ۱۶.
- (۱۳۵۶ ب). «علی آبادنامه یا سفرنامه ذهابیه قم». فرهنگ ایران زمین، ۲۲، ۲۰۷ - ۲۸۰.
- مستوفی، احمد (۱۳۵۰). حوضه مسیله، گزارش های جغرافیایی، تهران: موسسه جغرافیای دانشگاه تهران.
- مصدقی امینی، فرشید (۱۳۹۵). بررسی باستان شناختی کرانه های دشت کویر در شمال مرکز فلات ایران؛ آزادراه کنارگذر جنوب تهران، محور چرمشهر- آبیگ، مرحله نخست: قطعه چهارم کنارگذر: مسیر در دست احداث در فاصله بزرگراه گرمسار- قم تا بزرگراه تهران - قم، گزارش پژوهشی (منتشر نشده)، تهران، پژوهشکده باستان شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- مصدقی امینی، فرشید و ملاصالحی، حکمت الله (۱۳۹۴). «زیست بوم شناسی فرهنگی و استقرارهای دوره روستانشینی در شمال مرکز فلات ایران»، نشریه مطالعات باستان شناسی، ۷ (۱)، ۱۰۷ تا ۱۲۶.
- مولوی، جلال الدین محمدبن محمد (۱۳۷۸). مثنوی معنوی، به تصحیح و پیشگفتار عبدالکریم سروش، جلد ۲، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.



Siroux, M. (1949) *Caravansérails d'Iran et petites constructions routières*, Mémoires publiés par les membres de l'Institut français d'archéologie orientale du Caire, vol. 81, Le Caire: Imprimerie de l'Institut français d'archéologie orientale.

مینوی، مجتبی (۱۳۵۴). نامه تنسر به گشنسب، گردآورنده تعلیقات مجتبی مینوی و محمد اسماعیل رضوانی، چ ۲، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

نجم‌الملک، حاج عبدالغفار (۱۳۴۱). سفرنامه خوزستان، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.